

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- 2139 DEURASEH, Nurdeng. New essential values of *daruriyyah* (necessities) of the objectives of Islamic law (*maqasid al-shari'ah*). *Jurnal Hadhari: an International Journal*, 4 ii (2012) pp. 107-116. Preservation/protection of environment and preservation of health and protection of disease. Abstract(s): In Malay.
- Zaruriyat
230073

30 Nisan 2018

سجستانانی نقل کرده (ص ۳۴۱)، و بزرگ‌ترین آنها را (نیم صفحه) که درباره وجود است، ابو حیان (المقاسبات، ۱۰۳، ۱۵۷-۱۵۸) و نیز شهرزوری (ص ۳۶۱، ترجمه، ص ۴۳۷-۴۳۸) تکرار کرده‌اند.

ماخذ: ابن خلکان، وفیات؛ ابو حیان توحیدی، علی، مثالب الوزیرین، به کوشش ابراهیم کیلانی، دمشق، ۱۹۶۱م؛ همو، المقابسات، به کوشش محمدتوفیق حسین، تهران، ۱۳۶۶ش؛ ابوسلیمان سجستانی، محمد، صوان الحکمة، به کوشش عبدالرحمان بدوی، تهران، ۱۹۷۴م؛ ابونعیم اصفهانی، احمد، ذکر اخبار اصفهان، لیدن، ۱۹۳۴م؛ باخرزی، علی، دمیة القصر، به کوشش محمد تونجی، دمشق، ۱۳۹۱ق؛ ثعالبی، عبدالملک، بیمة الدهر، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، قاهره، ۱۳۵۰ق؛ سمعانی، عبدالکریم، الانساب، به کوشش عبدالله عمر بارودی، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م؛ شهرزوری، محمد، تاریخ الحکماء، به کوشش عبدالکریم ابوشویرب، قاهره، ۱۳۹۸ق؛ همو، همان (نزفة الارواح)، ترجمه مقصود علی تیریزی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد سرور مولایی، تهران، ۱۳۶۵ش؛ یاقوت، معجم الادباء، به کوشش احسان عباس، بیروت، ۱۹۹۳م. حسین میرزایی‌نیا

بدیهیات (جمع بدیهی)، اصطلاح و مبحثی در منطق (از ماده بدء که با تبدیل همزه به ها، در بدیئه و بداء، به صورت بدیهه و بداهه به کار رفته است)، بدیهه در لغت به معنای آغاز به کاری، نخستین هر چیزی، آنچه به ناگاه و اول بار برآید، و نیز آشکار آمده است. برخی بدیهه را اصلاً به معنای ارتجال در کلام دانسته، و بعضی میان ارتجال و بدیهه تفاوت نهاده‌اند (تاج...، ابن منظور، جوهری، ماده بدء).

بدیهی در اصطلاح منطق صوری به مفهومی گویند که حصول آن متوقف بر کسب و نظر نباشد؛ اما ممکن است که نیازمند چیزی دیگر مانند حدس و تجربه باشد؛ و در این معنی مرادف «ضروری»، در برابر «نظری» است. گاه مراد از بدیهی مفهومی است که اصلاً محتاج توجه عقلی به چیزی نیست و در این معنی اخص از «ضروری» است. بدیهیات به طور کلی از مباحث منطق در باب علم و انواع آن، قیاسات، صناعات پنجگانه، و نخستین مرحله حرکت فکر به سوی مبادی و از مبادی به مرادات و مطلوبات به شمار می‌روند. تصورات و تصدیقات بدیهی خود به تصورات و تصدیقات اولیه و غیر اولیه تقسیم می‌گردند.

تصدیقات بدیهی عبارتند از قضایای ضروری ششگانه، یعنی اولیات، مشاهدات، وجدانیات، فطریات، تجربیات و متواترات (نک: جرجانی، التعریفات، ۴۴؛ سبزواری، ۸؛ نیز حائری، ۷-۸، حاشیه و متن). در قیاسهای برهانی که باید از مقدمات یقینی تشکیل شوند، هر مقدمه‌ای یا خود از انواع این قضایای بدیهی است، یا قضیه‌ای است که از اینگونه قضایا استنتاج شده است.

ابن سینا در مبحث «علم» در نخستین مرحله «شناخت»، از تصورات و تصدیقات بدیهی که بی‌کسب و نظر حاصل می‌شوند، سخن رانده، و تأکید کرده که منشأ اینگونه شناختها حواس ظاهری و باطنی است و به واسطه همین شناختهای بدیهی، تصورات و تصدیقات کسبی و نظری را می‌توان به ترتیب در مرحله حدود و رسوم و قیاسات به دست آورد. از بیان او دانسته می‌شود که هر قیاس به نحو مستقیم یا با واسطه باید سرانجام بر قضایای بدیهی متکی باشد؛ ولی همین بداهت امری

کوشش محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، زوار؛ حمیدی، مهدی، شعر در عصر قاجار، تهران، ۱۳۶۴ش؛ خاقانی شروانی، دیوان، به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران، ۱۳۵۷ش؛ رشید و طواط، محمد، حدائق السحر فی دقائق الشعر، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۶۲ش؛ صفی‌پوری، عبدالرحیم، منتهی الارب، تهران، سنایی؛ علامه حلی، حسن، الجوهر النضید، قم، ۱۴۱۳ق/۱۳۷۱ش؛ غیث اللغات، غیث‌الدین محمد رامپوری، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، معرفت؛ قاموس لغت نامه دهخدا؛ نشاط، محمود، زیب سخن، تهران، ۱۳۴۲ش؛ نظامی عروضی، احمد، چهار مقاله، به کوشش محمد قزوینی، تهران، ۱۳۴۱ش؛ نظامی گنجوی، لیلی و مجنون، به کوشش وحید دستگردی، تهران، ۱۳۳۳ش؛ نفسی، علی‌اکبر، فرهنگ، تهران، ۱۳۴۳ش؛ هدایت، رضاقلی، مدارج البلاغه، شیراز، ۱۳۵۵ش؛ همای، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، ۱۳۶۳ش. هیأت ویراستاران

بدیهی، ابوالحسن علی بن محمد (د ح ۳۸۰ق/۹۹۰م)، شاعر ایرانی ری سراما محل تولد او را شهرزور ذکر کرده‌اند (نسبی، ۳۳۹/۳). لقب بدیهی که بدان شهرت یافته، ظاهراً از آنجا ناشی شده است که وی در بدیهه‌سرایی زبردست بوده است (نک: سمعانی، ۲۹۹/۸)، اما زبردستی او در بدیهه‌سرایی مسلم نیست، زیرا به عکس، وی به کندسرایی مورد هجو قرار گرفته است (نک: ثعالبی، همانجا). وی را به القاب دیگری نظیر حکیمی و نقیب‌الشعرا نیز خوانده‌اند (باخرزی، ۶۵۸/۱)؛ لقب حکیمی ظاهراً از آنجا برخاسته که وی در حکمت و فلسفه نیز دستی داشته است (نک: ابوسلیمان، ۳۴۰-۳۴۱؛ ابو حیان، المقابسات، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۵۷-۱۵۸)، اما شهرت او به شاعری بیشتر است. در اشعار باقی‌مانده از او نیز چیزی که بر فیلسوف بودن او اشاره کند، یافت نمی‌شود؛ آثار فلسفی او چند قطعه منثور است که در منابع پراکنده است.

ابوبکر خوارزمی شعر او را - به رغم کثرت - بی‌ارزش می‌پنداشت و از باب نقد تنها یک بیت او را درخور توجه می‌دانست. ثعالبی که این سخن را نقل کرده، به دفاع از شاعر پرداخته، و نظر خوارزمی را ستمی در حق او خوانده است (همانجا). باخرزی نیز در تأیید او، دانش لغوی و نیکویی شعر شاعر را ستوده است (همانجا).

بدیهی دیرزمانی با بیحی بن عدی مصاحبت داشت (ابوسلیمان، همانجا)، اما پیوندش با صاحب بن عباد ناگسستنی بود (نک: ابن خلکان، ۴۱۴/۱)، به خصوص که به قول ابو حیان توحیدی، صاحب نزد بدیهی عروض آموخته بود (مثالب...، ۸۴، ۱۱۵). ثعالبی برخی از ابیات او را در مدح صاحب بن عباد آورده است (۳۴۰/۳).

در بغداد، وی از محضر استادانی چون ابن دُرید و نفطویه بهره برد و بزرگان دیگری چون ابوبکر ابن انباری را درک کرد (ابونعیم، ۲۲/۲)؛ خطیب، ۸۳/۱۲). همچنین ابو حیان خود شنیده که بدیهی گفته است: به دربار و شمشیر نیز روی آورده، و او را ستوده، اما سلطان او را چندان مورد عنایت خود قرار نداده است (یاقوت، ۲۱۸۶/۵، ۲۱۸۷).

اینک مجموعه اشعاری که از وی به جای مانده، نزدیک به ۶۰ بیت پراکنده در منابع است.

از گفتارهای فلسفی او، دو سه قطعه کوتاه منثور را ابوسلیمان

(Kelain)

Evveliyat
Amidi, Gaye, 80.

X

ZARURIYYAT (Kelain)
el-Mütevâtirât
Amidi, Mubîn, s. 92.

X

el-Evveliyat (Kelain)
(el-Kadaya'l-Evveliyat)
Amidi, Mubîn, s. 91.

X

(ZARURIYYAT) MERASID

Fihh

- önek

X

الاعمال
الطبي

150 | 15

732

Zaruriyyat (Kelain)
el-Fitrîyyât (el-Kadaya'l-Fitrîyyat)
Amidi, Mubîn, s. 91.

X

(ZARURIYYAT) MERASID

Fihh

Zaruriyyat 10A

X

اصول الفقه
1 ج 2 جزء
ص 90

261

el-Mücevvebât (Kelain)
Amidi, Mubîn, s. 92.

X

bk Zaruriyyat

ZARURIYYAT

Fihh

X

الموافقات
الطبي

170 - A | 15

696

Müşahedât - Zaruriyyat (Kelain)
Amidi, Mubîn, s. 91.

X

bk Zaruriyyat

ZARURIYYAT

Fihh

X

- insan habes

حقوق الانسان في الاسلام
على ع. وافي

944

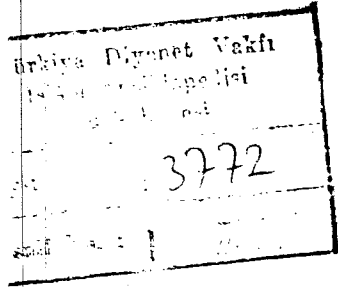
الدكتور عبد المجيد النجار

zarur bilgi

المهدي بن تومرت

أبو عبد الله محمد بن عبد الله المغربي السوسي

المتوفى سنة 1129/524

حياته وآراؤه وثورته الفكرية
والاجتماعية وأثره بالمغرب

Dar al-Farab al-Andalusi

والمستحيل ما لا يمكن كونه كالجمع بين الضدين . ثم ان هذه الضرورة مستقرة في نفوس العقلاء بأجمعهم ، استقر في نفوسهم أن الفعل لا بد له من فاعل ، وأن الفاعل ليس في وجوده شك . وقد استدل على هذا المعنى من ضرورة العلم بوجود الله بقوله تعالى : ﴿ أفى الله شك فاطر السماوات والأرض ﴾ (ابراهيم / 10) ، فقد أخبر الله تعالى أن فاطر السماوات والأرض ليس في وجوده شك ، وما انتفى عنه الشك وجب كونه معلوماً (16) .

هل يقصد ابن تومرت بهذا القول أن وجود الله يحصل العلم به بصفة بديهية ضرورية ، فيكون بذلك من جنس « العلم الذي يلزم نفس المخلوق لزوماً لا يجد الى الانفكاك عنه سبيلاً » (17) ؟ يبدو أن ذلك لم يكن مقصداً له ، وإنما كان يقصد أن معرفة الله تتأتى باستعمال مبدأ ضروري من مبادئ العقل وهو مبدأ العلية بصفة مباشرة ، ولا تتوقف على استدلالات مركبة ومعقدة ، وهو ما يفهم بالأخص من قوله : « وهذه الضرورة مستقرة في نفوس العقلاء بأجمعهم ، استقر في نفوسهم أن الفعل لا بد له من فاعل » (18) ، فالضروري إنما هو مبدأ العلية ، وبه يقع مباشرة العلم بوجود الله انطلاقاً من فعله المتراعى في الكون ، فهو في حقيقة الأمر علم استدلالي وليس اضطرارياً ، ولكن استدلاله مباشر وبسيط (19) .

ب - مسلك الاستدلال :

عشرنا في مؤلفات ابن تومرت على دليلين استعمالهما في اثبات وجود الله هما

التاليان :

بالعلم ، ولا يصح العلم الا بالطلب . . . » (12)

وكان المهدي قد استشعر الاشكال الذي أوردناه آنفاً ، فوضع سؤالاً أعلى لسان المسترشد ، قال فيه : « لم أوجبتم علي العبادات بانفرادها وهذه الشروط متعلقة بها ولا تصح دونها » (13) ، ثم أجاب بقوله : « ان جميع هذه الشروط لا تتم العبادات الا بها ، وهي شرط في صحتها وداخلتها تحتها ، وأمرنا لك بالعبادة هو أمرنا لك بجميع ما تعلق بها وكان شرطاً في صحتها » (14) . ولما كان أول شرط من الشروط التي وضعها للعبادة هو الايمان ، ولما كان أول عنصر في الايمان هو الايمان بالله ، أصبح مؤدى القول أن أول واجب على الانسان أن يقوم به هو معرفة الله والايان به ، ولا تصح العبادة الا بعد تحقق هذا الواجب الذي هو شرط لها .

وبهذا يبقى الرأي الثابت لابن تومرت ، أن أول واجب على المكلف أن يقوم به هو معرفة الله والايان به .

2 - أدلة وجود الله :

سلك ابن تومرت في اثبات وجود الله مسلكين يبدو ان في ظاهرهما متعارضين ولكنها كما سنبينه بعد حين متكاملان ، وهما : مسلك الضرورة ، ومسلك الاستدلال .

أ - مسلك الضرورة :

يؤكد المهدي في مواضع مختلفة « ان الباري سبحانه يعلم بضرورة العقل » (15) . ثم يشرح هذه الضرورة بأنها ما لا يتطرق اليه الشك ، ولا يمكن العاقل دفعه ، وهي على ثلاثة أقسام : واجب وجائز ومستحيل ، فالواجب ما لا بد من كونه كافتقار الفعل الى الفاعل ، والجائز ما يمكن أن يكون ، ويمكن أن لا يكون كنزول المطر ،

(12) نفس المصدر : 221 - 22

(13) نفس المصدر : 221 - 22

(14) نفس المصدر : 222 .

(15) ابن تومرت - العقيدة : 230 .

(16) انظر نفس المصدر والصفحة .

(17) هذا تعريف العلم الضروري مأثوراً عن الباقلاني . وقد نقله الايجي - المواقف : 1 / 38 .

(18) ابن تومرت - العقيدة : 230 .

(19) ذكر الدواني في شرحه على العقائد العنصرية : 68 انه « ذهب بعض الأئمة كالامام الغزالي والامام الرازي الى أن

وجود الواجب بديهي فلا يحتاج الى النظر » ، ولكن مؤلفات الامامين تنطق بخلاف ذلك في بعض أمثلها

تصريحاً ، وفي الاستدلالات العقلية التي أقامها على وجود الله . انظر مثلاً ، الغزالي : الاقتصاد في الاعتقاد :

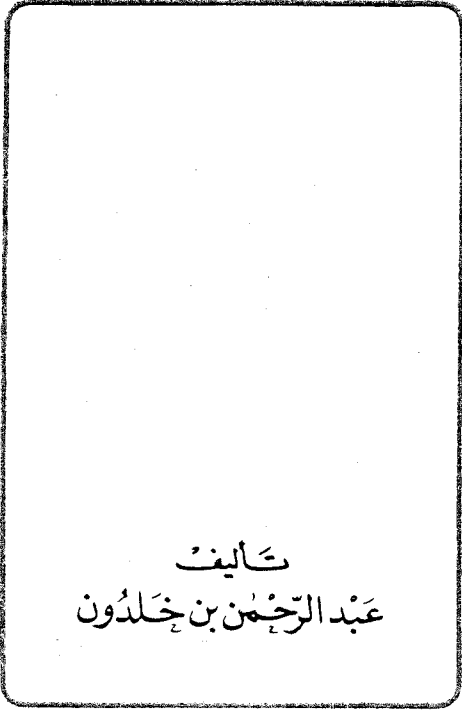
85 وما بعدها ، والرازي - التفسير الكبير : 113/2 ، والمحصل : 149 ، وانظر أيضاً تحقيقاً لهذه المسألة في :

محمد صالح الزرکان - فخر الدين الرازي : 196 .

سنة
1996

بَابُ الْمُحَصَّلِ فِي أُصُولِ الدِّينِ

تحقيق وتتميم
د. رفيع العجم



تأليف
عبد الرحمن بن خالدون



المكتبة الفلسفية

Bediyyat (33rd)

MAJLIS AL-FALSAFAH
SUTEM BACH, JORDANIAN

28 MAYIS 1996

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Demirbaş No:	39152
Klasifikasyon No:	297.4
Yayıncı No:	HAL. L.



1990

< الركن الأول في المقدمات >

< المقدمة الأولى في البديهيات >

إدراك الحقيقة من حيث هي هي، لا مع اعتبار حكم تصور، ومعه تصديق. ولا شيء من التصورات بمكتسب لوجهين:

أ: إن المطلوب إن كان مشعورًا به، امتنع طلبه لحصوله. وإلا الذهول^(١) عنه، وإن كان من وجه دون وجه، امتنع لحصول أحدهما الذهول^(٢) عن الآخر.

ولقائل أن يقول: ليس المطلوب الوجه.

ب: تعريف الماهية ليس بنفسها، وإلا تقدم العلم بها على العلم بها، لأن المعروف قبل المعروف؛ ولا بالخارج لجواز اشتراك المختلفات في لازم، فيتوقف على معرفة اختصاصه بها دون غيرها فيلزم تصورها وهو دور، وتصور غيرها، ولا يتناهى.

ولقائل أن يقول: إنما يتوقف على الاختصاص فقط. بتصور - هكذا - الغير مجملًا فتصور أنواعه وأجناسه الشاملة المتناهية.

ولا بمجموع الأجزاء لأنه الأول.

ولقائل أن يقول: فات الجزء الصوري.

(١) للذهول (ت).
(٢) والذهول (ت).

-Zarurlyet
-Dm
-Meghele

X

ضروريات الدين والمذهب

الشيخ محمد هادي آل راضي

07 AUG 2007



بسم الله الرحمن الرحيم

123

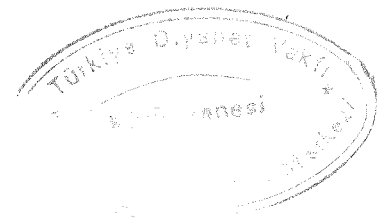
مقدمة :

لا إشكال عند جميع المسلمين في أن من أنكر أصلاً من أصول الدين التي بها قوام الإسلام كالإلهية والتوحيد والرسالة يعدُّ كافراً وذلك لأن الإسلام عبارة عن الإترار بهذه الأصول فإذا أنكرها - أو بعضها - خرج بذلك عن الإسلام وكان كافراً، وإنما الإشكال والخلاف في غير ذلك من المسائل الاعتقادية وغيرها والتي تسمى بالضروريات.

وحاصل الخلاف :

إن إنكار هذه المسائل هل يوجب الكفر مطلقاً أو إنّه لا يوجب الكفر إلا مع العلم والاتفات إلى ثبوت ذلك الشيء في الدين المستلزم لتكذيب الرسالة. وأما مع الجهل بثبوت ما أنكره في الدين - سواء كان جهلاً مركباً أم

- ٩٢ تراثنا / ٨٣ - ٨٤
- ١٦ - كشف الغمّة في معرفة الاثمة ، علي بن عيسى الأربلي ، تحقيق: سيّد هاشم رسولي ، تبريز ، ١٣٨١ .
- ١٧ - لسان الميزان ، ابن حجر العسقلاني ، تصحيح المرعشلي ، بيروت ، دار إحياء التراث العربي .
- ١٨ - مشيخة النجاشي ، محمود درياب النجفي ، قم ، ١٤١٣ .
- ١٩ - معالم العلماء ، ابن شهر آشوب ، نجف ، المطبعة الحيدرية ، ١٣٨٠ هـ . ق .
- ٢٠ - معالم العلماء ، ابن شهر آشوب ، تصحيح عباس إقبال ، طهران ، ١٣٥٣ هـ . ق .
- ٢١ - معاني الأخبار ، الشيخ الصدوق ، قم ، انتشارات اسلامي التابعة إلى جامعة المدرسين .
- ٢٢ - معجم الأدباء ، ياقوت الحموي ، بيروت ، دار الفكر (طبع إحسان عباس ، دار الغرب الاسلامي ، ١٣٩٣ هـ . ق .) .
- ٢٣ - معجم البلدان ، ياقوت الحموي ، بيروت ، دار صادر .
- ٢٤ - معجم رجال الحديث ، أبو القاسم الخوئي ، قم ، مؤسسة الثقافة الإسلامية ، ١٤١٣ .
- ٢٥ - النابس (طبقات أعلام الشيعة في القرن الخامس) آقابزرگ الطهراني ، بيروت ، دار الكتاب العربي .
- ٢٦ - الوافي بالوفيات ، صلاح الدين خليل بن ابيك الصفدي ، اهتمّ بطبعه هلموت ريتز ، بيروت ، ١٣٨١ هـ . ق .



MADDE 318

2005000+

العدد السادس عشر

مجلة جامعة الإمام

صفر ١٤١٧ هـ الرياض

محمد بن سعود الإسلامية

73-124

البدهيات في الحزب الأول من القرآن الكريم

الدكتور فهد بن عبدالرحمن الرومي
كلية المعلمين - وزارة المعارف - الرياض

